

## واقعیت‌های خیر ۱

### تحریف نقل ترس عمر در جنگ خیر + اسکن

یکی از اصول نقل روایت و گزارش تاریخی، صحت نقل آن واقعه و یا گزارش می باشد. باید دانست منابع منتقل شده از قرون ابتدایی به زمان ما، به دو دسته منابع مکتوب و غیر مکتوب تقسیم می شود. منابع مکتوب شامل کتب و نوشته هایی است که باقی مانده است. منابع غیر مکتوب مانند بنا های تاریخی، ظروف، آلات جنگی و... همگی در فهم گزارش به ما کمک کرده و راهگشا خواهد بود. اصولا زمان و مکان نیز از جمله مهم ترین عناصری است که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

از آنجایی که از ابتدای نوشتن کتابت، نوشته ها رو به فزونی یافت، کتب حدیثی نیز از این مساله مستثنی نبوده و مجامع حدیثی گرد آمد. اصحاب ائمه علیهم السلام و صحابه و تابعین، از جمله اولین هایی هستند که در این عرصه قدم برداشته، هر چند مدتی در ابتدای اسلام با بهانه های واھی نوشتن حدیث مورد انکار خلفای اهل تسنن قرار گرفت و نویسندهان را تعقیب و تحت شدید ترین مجازات قرار می دادند:

أن عمر حبس ثلاثة بن مسعود وأبا الدرداء وأبا مسعود الأنصاري فقال قد أكثرتم الحديث عن رسول الله صلى الله عليه وسلم.

الذهبی الشافعی، محمد بن أحمد بن عثمان (المتوفی ۷۴۸ هـ)، تذكرة الحفاظ، ج ۱، ص ۷، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى. (الجامع الكبير).

عمر سه نفر [از صحابه] را زندانی کرد: [عبد الله] بن مسعود، ابو درداء و ابو مسعود انصاری. [او در مقابل این کار] گفت: شما احادیث زیادی از پیامبر نقل می کنید [به خاطر جلوگیری از این عمل شما را زندانی می کنم]. در مقابل این تفکر که کم کم منجر به محظوظ نبوی می گردید، اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین اصحاب خود را به نوشتن و حفظ نوشته های خود تشویق می کردند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ اكْتُبُو فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا.

الكليني الرازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ٣٢٩ ق)، الأصول من الكافي، ج١، ص٥٢، صحه وعلق

عليه علي أكبر الغفاری، ناشر: دار الكتب الاسلامية ، تهران، الطبعة الثالثة، ١٣٨٨ ق.

ابو بصیر می گوید از امام صادق عليه السلام شنیدن که دائما می فرمود: بنویسید چرا که شما [علم را] حفظ نمی کنید تا اینکه آن را بنویسید.

و در روایتی دیگر آن حضرت در اهمیت حفظ نوشته های فرمودند:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اخْتَفَظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سُوفَ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا.

الكليني الرازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ٣٢٩ ق)، الأصول من الكافي، ج١، ص٥٢، صحه وعلق

عليه علي أكبر الغفاری، ناشر: دار الكتب الاسلامية ، تهران، الطبعة الثالثة، ١٣٨٨ ق.

امام صادق سلام الله عليه فرمودند: نوشته های خود را نگه دارید چرا که در آینده به آن ها نیازمند می شوید.

این دسته از روایات به خوبی به جایگاه نوشتمن و حفظ میراث اشاره می کند.

با دقت در کتب تراجم و رجال بزرگان شیعی علی الخصوص اصحاب ائمه عليهم السلام، عبارت «له کتاب»

زیاد به چشم می خورد که خود حاکی از اهتمام اهل بیت علیهم السلام و شاگردان آنان به نقل و نوشتمن احادیث بوده

است که خود در مقابل تفکری است که توسط خلفا مخصوصا عمر پایه ریزی شده بود.

اصولا آنچه در نقل حدیث بدان باید اهتمام داشت، بررسی کتاب، سند نقل و متن گزارش از اهمیت ویژه ای

برخوردار است.

یکی از جوامع حدیثی متقدم اهل سنت، کتاب «المصنف في الحديث والآثار» نوشته «عبد الله بن محمد بن

أبي شيبة العبسي الكوفي متوفاي ٢٣٥ هـ» می باشد.

وی در این کتاب خود پیرامون جریان ابلاغ سوره برائت روایتی را بدین صورت نقل می کند:

٣٦٨٩٤ حدثنا عبيد الله قال حدثنا نعيم بن حكيم عن أبي مريم عن علي قال سار رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى خيبر فلما أتتها بعث عمر و معه الناس إلى مدinetهم أو إلى قصرهم فقاتلوا لهم فلم يلبثوا أن انهزم عمر وأصحابه فجاء يجبنهم ويجبونه فسأله رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال لأبعضهم إليهم رجلاً يحب الله ورسوله ويحب الله ورسوله يقاتلهم حتى يفتح الله له ليس بفار فتطاول الناس لها ومدوا أنفاسهم يرونها أنفسهم رجاء ما قال فمكث ساعة ثم قال أين علي فقالوا هو أرمد فقال أدعوه لي فلما أتيته فتح عيني ثم تفل فيهما ثم أعطاني اللواء فانطلقت به سعياً خشية أن يحدث رسول الله صلى الله عليه وسلم فيهم حدثاً أوفى حتى أتيتهم فقاتلتهم فبز مرحب يرتجز وبرزت له أرجوز كما يرتجز حتى التقينا فقتله الله بيدي وانهزم أصحابه فتحصنتوا وأغلقوا الباب فأتينا الباب فلم أزل أعالجه حتى فتحه الله.

إبن أبي شيبة الكوفي، عبد الله بن محمد (المتوفى ٢٣٥ هـ)، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ج ٧، ص ٣٩٦،  
تحقيق: كمال يوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ. (الجامع الكبير).

[حضرت] علي [عليه السلام] فرمود: رسول خدا (ص) به طرف خيبر حرکت کرد، هنگامی که به آنجا رسید، عمر را با گروهی به طرف شهر و یا کاخ اهل خيبر فرستاد تا با آنان بجنگند، مدتی نگذشته بود که عمر و یارانش شکست خوردند. پس از بازگشت، عمر یارانش را متهم به ترسیدن می کرد و آنها عمر را. پیامبر صلی الله علیه [و آله] و سلم ناراحت شد و فرمود: مردی را به این جنگ خواهمند فرستاد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. او با خیبریان خواهد جنگید تا خداوند پیروزی را توسط او محقق می سازد. کسی است که [در میدان جنگ] فرار نمی کند. حاضران سر خود را بلند کردند و گردنها را دراز می کردند و امید داشتند تا شامل آن سخن [رسول خدا] خودشان باشند. پیامبر درنگی کردند و سپس فرمود: علي کجاست؟ گفتند: او چشم درد دارد. فرمود او را برایم صدا بزنید، هنگامی که نرد ایشان آدم، آب دهانش را بر چشم مالید، پرچم را به دستم داد، به سرعت حرکت کردم تا تصمیم دیگری بر تغییر من ایجاد نشود، به دشمن رسیدم و با آنان وارد جنگ شدم، مرhab به میدان آمد و رجز می خواند، من نیز به میدان رفتم و رجز خواندم تا با یکدیگر درگیر شدیم، سر انجام خداوند او را

به دست من از بین برد، یارانش شکست خوردند در قلعه نشستند و درها را بستند، پشت در ورودی قلعه آمدم و آن  
قدرت پافشاری کردم تا خداوند آن را گشود.

با دقت در سند این روایت، چندین نفر در این سند قرار دارند از قرار زیر:

عبد الله - نعيم بن حكيم - أبي مريم.

و آنچه در این روات مورد اهمیت است، عبارت زیر است:

فجاء يجنبهم ويجبونه.



اما با مراجعه به مسند بزار، در میابیم که همین روایت را نقل و عیارت ترس عمر و اصحابش را حذف کرده

است.

متن بزار چنین است:

حدثنا يوسف بن موسى قال نا عبيد الله بن موسى عن نعيم بن حكيم عن أبي مریم عن علی قال أتینا إلی خیر

فَلَمَّا أتَاهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْثَ عَمْرٍ وَمَعَهُ النَّاسَ فَلَمْ يَلْبِسُوا أَنْ هَزَمُوا عَمْرًا وَأَصْحَابَهِ ... فَقَالَ لَأَبْعَثُنَّ إِلَيْهِمْ رَجُلًا يَحْبِبُ

الله ورسوله ويحبه الله ورسوله يقاتلهم حتى يفتح الله له قال فتطاول الناس لها ومدوا أعناقهم قال فمكث رسول الله صلى

الله عليه وسلم ساعة فقال أين على قالوا هو أرمد قال ادعوه لي فلما أتيته فتح عيني ثم تفل فيها ثم أعطاني اللواء

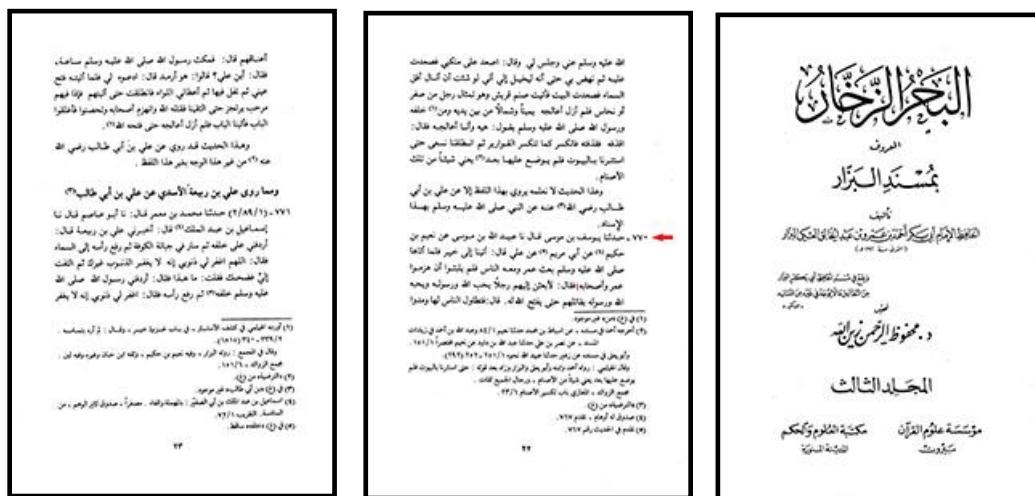
فانطلقت حتى أتيتهم فإذا فيهم مرحباً برتجز حتى التقينا فقتله الله وانهزم أصحابه وتحصنا فأغلقوا الباب فأتينا الباب

فلم أزل أعالجه حتى فتحه الله.

البزار، أبوبكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفى ٢٩٢ هـ)، البحر الزخار (مسند البزار)، ج ٣، ص ٢٢-٢٣.

تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، ناشر: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بيروت، المدينة الطبعة: الأولى،

١٤٠٩ هـ.



با دقت در سند روایت بزار، دقیقا همان سند ابن ابی شیبہ می باشد، اما قسمتی که در متن بالا با رنگ قرمز

مشخص شده است، در متن کتاب بزار موجود نیست.

اما آنچه موید این کلام است، نقل دیگر علمای اهل سنت به نقل از بزار است.

## ١. نقل سیوطی از ابن ابی شیبہ و ابوبکر البزار

سیوطی از قول ابن ابی شیبہ و بزار چنین نقل می کند:

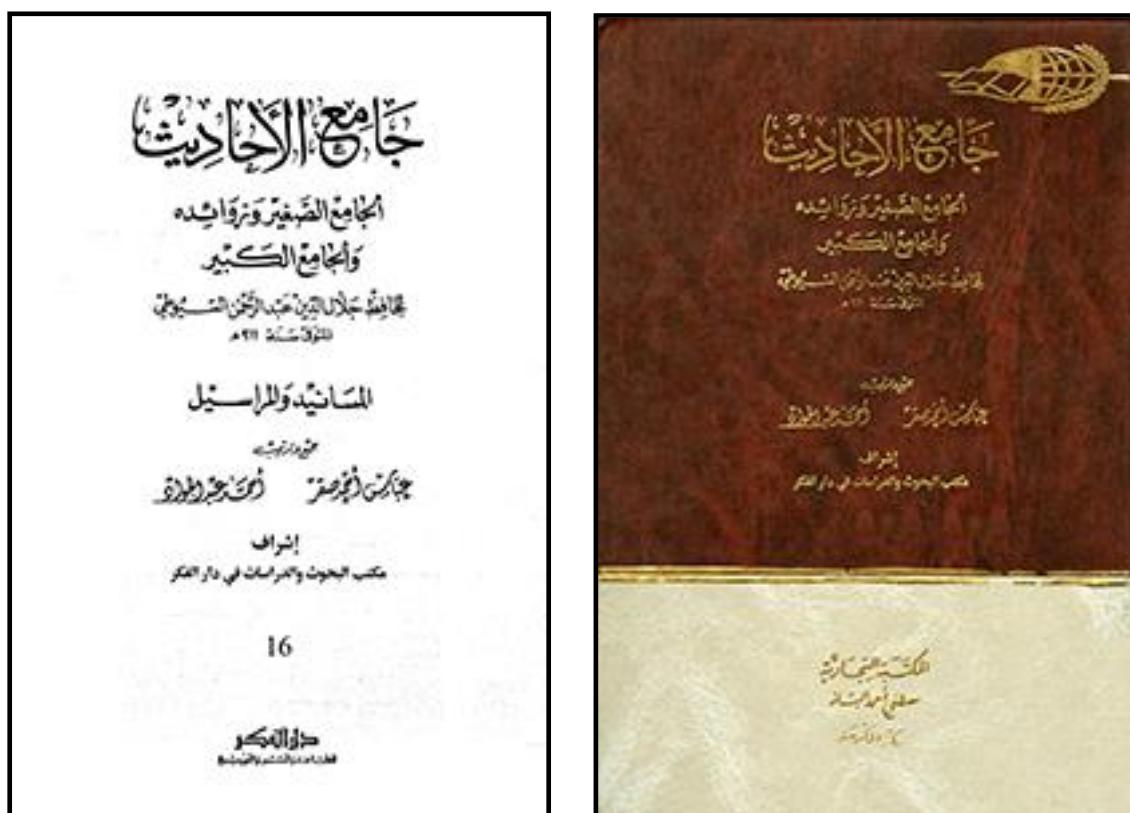
عَنْ عَلَيِ الرَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَارَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى خَيْبَرَ، فَلَمَّا أَتَاهَا رَسُولُ اللَّهِ بَعَثَ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَعْهُ النَّاسُ

إِلَى مَدِينَتِهِمْ وَإِلَى قَصْرِهِمْ فَقَاتُلُوهُمْ ، فَلَمْ يَلْبُثُوا أَنْ هَزَمُوا عُمَرَ وَأَصْحَابَهُ ، فَجَاءَ يَجْبِنُهُمْ وَيَجْبِنُونَهُ ، فَسَاءَ ذَلِكَ رَسُولَ

اللَّهُ فَقَالَ : لَا يَعْتَنِي عَلَيْهِمْ رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ، يُقَاتِلُهُمْ حَتَّىٰ يَفْتَحَ اللَّهُ لَهُ ، لَئِنْ يَفْرَارِ ، فَتَطَاوَلَ النَّاسُ لَهَا ، وَمَدُوا أَعْنَاقَهُمْ يَرْوَنَهُ أَنفُسَهُمْ رَجَاءً مَا قَالَ ، فَمَكَثَ رَسُولُ اللَّهِ سَاعَةً فَقَالَ : أَيْنَ عَلَيْهِ ؟ فَقَالُوا : هُوَ أَرْمَدُ ، قَالَ : اذْعُوهُ لِي ، فَلَمَّا أَتَيْتُهُ فَتَحَ عَيْنِي ، ثُمَّ تَقَلَّ فِيهَا ، ثُمَّ أَعْطَانِي اللَّوَاءَ فَأَنْطَلَقْتُ بِهِ سَعِيًّا حَشِيدًا أَنْ يُحْدِثَ رَسُولُ اللَّهِ فِيهَا حَدَّنَا أَوْ فِيهِ ، حَتَّىٰ أَتَيْتُهُمْ فَقَاتَلُهُمْ ، فَبَرَزَ مَرْحُبٌ يَرْتَجِزُ ، وَبَرَزَتْ لَهُ أَرْتَجِزُ كَمَا يَرْتَجِزُ حَتَّىٰ الْقَيْنَى ، فَقَتَلَهُ اللَّهُ بِيْدِي ، وَأَنْهَرَمَ أَصْحَابُهُ ، فَتَحَصَّنُوا وَأَغْلَقُوا الْبَابَ ، فَأَتَيْنَا الْبَابَ ، فَلَمْ أَزِلْ أَغَالِجُهُ حَتَّىٰ فَتَحَهُ اللَّهُ شُنْ ، وَالْبَزَارُ ، وَسَنْدُهُ حَسَنُ.

السيوطى، عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى ٩١١هـ)، جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائد الجامع الكبير)،

ج ١٦، ص ١٣٥، طبق برنامج الجامع الكبير.





مكتبة الإبراهيمية

١٩٩٤ / ١٤٤٤

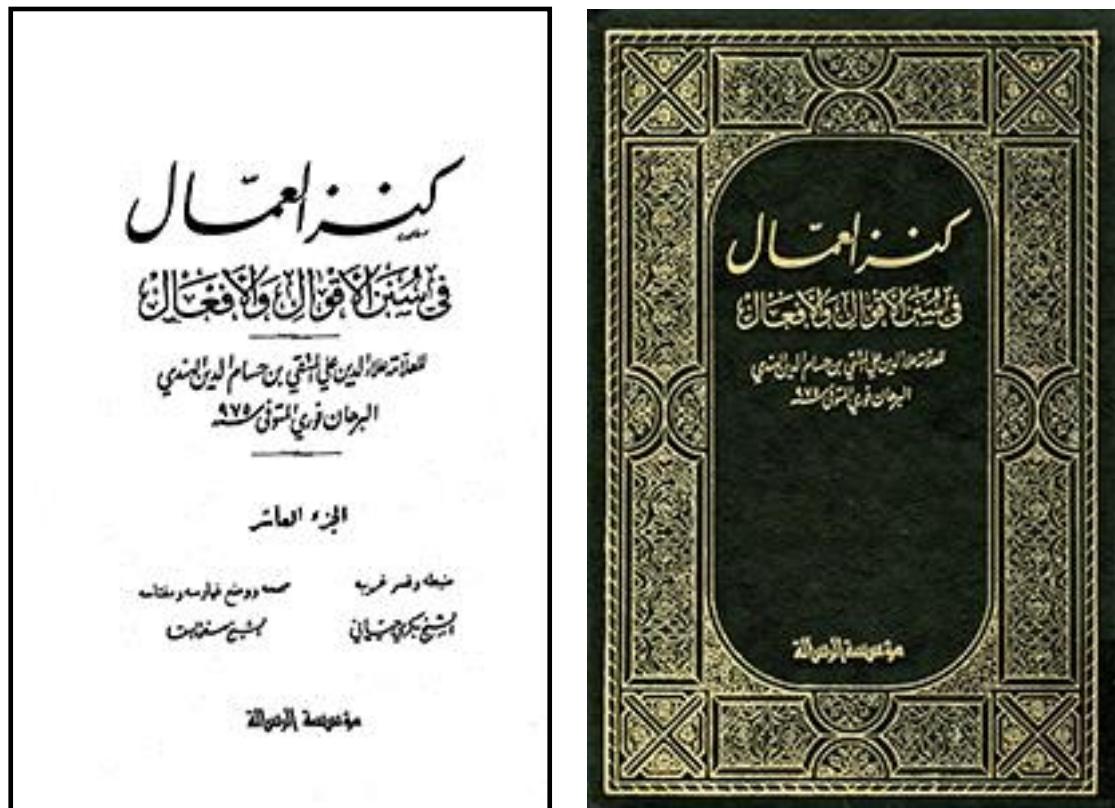


## ٢. نقل متقي هندي از ابن أبي شيبة وابو بكر البزار

عن علي قال : سار رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى خيبر ، فلما أتتها رسول الله صلى الله عليه وسلم بعث عمر ومعه الناس إلى مدینتهم وإلى قصراهم فقاتلواهم ، فلم يلبثوا أن هزموا عمر وأصحابه فجاء يجبنونه فسأله ذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : لأبعثن عليهم رجلا يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله يقاتلهم حتى يفتح الله له ليس بفرار فتطاول الناس لها ، ومدوا أعناقهم يرونهم أنفسهم رجاء ما قال ، فمكث رسول الله صلى الله عليه وسلم ساعة فقال : أين علي ؟ فقالوا : هو أرمد قال : ادعوه لي فلما أتيته فتح عيني ، ثم تفل فيها ، ثم أعطاني اللواء فانطلقت به سعيا خشية أن يحدث رسول الله صلى الله عليه وسلم فيها حدثا أو في حتى أتيتهم فقاتلتهم فبرز مرحبا يرتجز وبرزت له أرتجز كما يرتجز حتى التقينا ، فقتلته الله بيدي ، وانهزم أصحابه فتحصروا وأغلقوا الباب فأتينا الباب فلم أزل أعالجه حتى فتحه الله . شن والبزار ، وسنه حسن.

الهندي، علي المتقي بن حسام الدين (متوفى ٩٧٥هـ)، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، ج ١٠، ص ٢٠٩، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م.

نکته: مراد از شن، ابن ابی شیبہ می باشد.



حدوّدَهَا ، وَمُؤْرِثَةً أَرْتَهَا<sup>(١)</sup> وَمُشْكِرَةً بَعْدَهَا ، فَإِنْ رَمَوْلَهُ  
فَلَمْ يَقُلْ : مَا أَفْرَكَ إِذَا وَدَ أَذْنَنَ اللَّهِ فِي بَلَاقِيمِهِ ، فَهُنَّ ذَكَرٌ  
لَهُمْ (أَنْ سَدَهُ) .

فَسَدَ عَلَيْهِ مِنْ عَلَى تَلَلٍ ، فَلَا لَفَكَتْ مَرْأَتِي  
جَنَّتْ بِرَأْبَهِ إِلَيْهِ<sup>(٢)</sup> (مَوْهِنَةَ قَدِيرٍ) .

مِنْ عَلَى تَلَلٍ ، سَارَ رَمَوْلَهُ<sup>(٣)</sup> إِلَيْهِ ثَدِيرٍ ، هَذَا  
أَنَّا رَمَوْلَهُ<sup>(٤)</sup> بَثَ مِنْ وَهْدَهُ التَّالِي ، مَدْرَقَهُ وَلِيَ نَصَرَمْ  
هَذَا لَكَمْ ، فَبَرَّاهُ أَنْ هَذِهِ مَرْأَةُ مَرْأَةِ<sup>(٥)</sup> مَرْأَةِ  
فَهَاهُ ذَكَرٌ رَمَوْلَهُ<sup>(٦)</sup> ذَهَلٌ ، أَلَبَّهُ ، ثَبَّهُ رَمَوْلَهُ<sup>(٧)</sup> ذَهَلٌ ،  
وَرَمَوْلَهُ وَرَمَوْلَهُ رَمَوْلَهُ ، يَنْظَمُ مِنْ يَنْتَحِنَ اللَّهُ أَيْضًا بَرَّكَهُ  
فَهَذَا لَكَنْ ، لَهُ ، وَمَدْرَقَهُ أَنَّهُمْ بِرَهَهُ أَنَّهُمْ رَهَهُ ، فَلَكَنْ  
رَمَوْلَهُ<sup>(٨)</sup> بَاهَهُ تَهَالٌ ، أَنْ عَلَيْهِ<sup>(٩)</sup> هَذِهِ مَرْأَةُ اللَّهِ ،  
أَدْهَمَهُ فِي هَذَا آيَةَ حَمْيَ ، فَمَنْ عَلَيْهَا ، ثُمَّ أَسْهَمَهُ الْمَرَادَهُ ، فَلَكَنْ  
هُ مَسْأَمَهُ لَهُ يَكْنَهُ ، فَمَوْلَهُ<sup>(١٠)</sup> فَهَا مَسْأَمَهُ لَهُ فَيُقَسِّمُ  
أَنَّهُمْ أَنَّهُمْ بِرَهَهُ صَرَبَهُ بِرَهَهُ بِرَهَهُ ، لَهُ أَرْجَيَهُ كَمْ بِرَهَهُ  
مِنْ أَنَّهُ ، فَهَاهُ يَهَدِي ، وَأَهَمَهُ أَسْهَمَهُ دَكَسَهُ ، وَأَنَّهُ لَهُ  
هَذِهِ أَهْلَهُ ، عَلَى أَرْأَيِهِ مِنْ هَذِهِ الْمَلَكَ وَالْمَلَكَ ، وَمَوْلَهُ مَنْ .

(١) أَرْتَهَا : الْأَكْرَبُ مَعَ أَرْتَهَا وَمِنْ أَرْتَهَا وَلَهُ ، الْأَيْدِي ، ٢٢١ ، ٢ .

#### پنجم الْأَقْرَبُ مَرْأَتَهُ

فِي الْأَكْرَبِ

هَذَا الْأَكْرَبُ

**نتیجه:**

تعصب و هواپرستی آفته است که دامن گیر بسیاری از علمای اهل سنت بوده چنان‌چه بزرگان سنی بدان اشاره کرده‌اند - و در برخورد با فضائل حضرت علی علیه السلام و ترس عمر و یاران او در جریان فتح خیر، دست به تحریف زده و ترس خلیفه دوم را حذف کرده‌اند چنان‌چه در متن کتاب «مسند بزار» مشهود بود.

**موفق باشد**

**گروه پاسخ به شباهات**

**موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف**